

دولت یهود: تلاش برای روح اسرائیلی

Yoram Hazony, *The Jewish State: The Struggle for Israel's Soul*, New York: Basic Books, 2001, 432 pages.

بیژن اسدی

استادیار دانشکده علوم اقتصادی و

علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

برای قرن‌ها امید بازگشت به سرزمین موعود (فلسطین)، بر اساس وعده کتاب مقدس یهودیان - یعنی تورات (عهد عتیق) - هیچگاه در دل یهودیان از بین نرفت. در واقع، برای قرن‌ها، افکارنماز گزاران و عبادت کنندگان یهودی، حول وحوش ظهور حضرت مسیح (ع) - به عنوان ناجی موعود و

عامل اتحاد و انسجام یهودیان جهان در اسرائیل و حکومت بر آنها - دور می زد. گفتنی است که تا اواخر قرن نوزدهم میلادی، علاقه و توجه یهودیان ساکن سرزمینهای خارج از فلسطین به این سرزمین، جنبه مذهبی و غیرسیاسی داشت. بنابراین، غالب یهودیانی که در فلسطین با کمکهای مالی یهودیان ثروتمند اروپایی زندگی می کردند، عمدتاً بر پایه زمینه ها و اعتقادات صرفاً مذهبی - و نه سیاسی - این گونه کمکها را دریافت می کردند. گفتنی است که سرزمین فلسطین در آن زمان در قلمرو حکومت امپراتوری عثمانی قرار داشت و علاوه بر یهودیان، مسیحیان سایر کشورها نیز اجازه داشتند برای زیارت اماکن مقدس و ادای شعائر مذهبی، آزادانه به سرزمین فلسطین - به ویژه بیت المقدس - مسافرت کنند.

از سال ۱۸۸۰ به بعد، به تدریج جرقه های «ناسیونالیسم یهود» به وسیله روشنفکران یهودی روسی نظیر «پرز اسمولنسکین» و «لئوینسکر» زده شد که جهت و روند «صهیونیسم» را به مفهوم عام آن، به تدریج به سوی «صهیونیسم سیاسی»

سوق داد. نقطه عطف این حرکت، به تسو دور هرتزل،^{*} روزنامه نگار یهودی مجاری الاصل و ساکن اتریش، مربوط می شود که به عنوان پدر صهیونیسم سیاسی، ماهیت مذهبی صهیونیسم را به مقوله ای سیاسی مبدل ساخت. این فرد و نیز روشنفکران یادشده به این نتیجه رسیدند که تنها راه حل ممکن برای حل مسئله یهودیان جهان این است که آنان وطن ملی خود را باز یافته، بدین وسیله، اداره حکومت ویژه خود را به دست گرفته، سرنوشت سیاسیشان را تعیین کنند. در همین زمینه، هرتزل به عنوان پایه گذار صهیونیسم سیاسی، در سال ۱۸۹۶ کتاب معروف خود به نام: «دولت یهود: راه حل جدیدی برای مسئله یهود» را به زبان آلمانی منتشر کرد. او معتقد بود که یهودیان، قوم و ملتی را تشکیل می دهند و تنها راه حل در برابر اقدامات ضدیهود (یهود آزاری یا آنتی سمیتیسیم)، عبارت از تملک یک موطن متعلق به خودشان و ایجاد یک دولت ملی با اختیار و استقلال کامل است.

در ضمن، هرتزل در اوت سال ۱۸۹۷، اولین کنگره صهیونیسم را در شهر «بال» سوییس تشکیل داد و «سازمان صهیونیسم جهانی» را بنیان گذاری کرد. برگزاری کنفرانس اخیر، نقطه عطفی در تاریخ صهیونیسم سیاسی محسوب می شود؛ زیرا در واقع با تشکیل کنفرانس بال، صهیونیسم سیاسی به طور عملی به منصه ظهور رسید. چنانکه در این کنفرانس، اهداف و آرمانهای صهیونیسم مشخص شد. بدین ترتیب، صهیونیسم سیاسی به عنوان یک مقوله کاملاً متفاوت از صهیونیسم مذهبی و فرهنگی، با افکار و اهدافی کاملاً سیاسی - و نه مذهبی - پا به عرصه وجود نهاد. در چالش عقیدتی و مکتبی میان صهیونیسم مذهبی - فرهنگی و سیاسی، سرانجام رهبران و پیروان گروه اخیر، گوی سبقت را از دیگران ربودند و همین گروه، سرانجام آرمان غایی خود یعنی ایجاد وطن و دولت ملی یهود را با استفاده از انواع روشهای سیاسی و نظامی به مرحله اجرا گذاشتند. چنانکه در راه همان هدف، طرح

* برای مطالعه شرح زندگی وی رک: بیژن اسدی، نخبگان خاورمیانه، تهران: مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۷۹.

تقسیم فلسطین در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ در سازمان ملل متحد به تصویب رسید. پس از آن، کمتر از یک سال بعد در تاریخ ۱۴ ماه مه ۱۹۴۸، کشور اسرائیل - و به عبارت دیگر، «دولت یهود» - پا به عرصه وجود نهاد. یورام حازونی، نویسنده کتاب حاضر، مسئله «دولت یهود» و روندهای گوناگون آن را از دیدگاه جدیدترین بحثها و چالشهای فکری - عقیدتی موجود در جامعه اسرائیل یعنی پسا صهیونیسم یا فرا صهیونیسم (Post-Zionism) مورد بررسی و تعمق قرار داده و همین موضوع، محور اصلی بحثهای کتاب را تشکیل می دهد. هم اکنون پس از گذشت بیش از یک قرن از شکل گیری جنبش «صهیونیسم سیاسی» (۱۸۹۷) و بیش از نیم قرن از تشکیل «دولت یهود» (۱۹۴۸)، جامعه سیاسی، علمی و فرهنگی اسرائیل، شاهد بروز یک پدیده کاملاً جدید و غیر منتظره به نام «پسا صهیونیسم» است. همین مقوله، در سالهای دو دهه آخر قرن بیستم، بحثهای فراوانی را درباره ارزیابی مجدد وضعیت

فعلی اسرائیل برانگیخت. مسئله، عمدتاً از آنجا شروع شد که پس از گذشت سی سال، پژوهشگران مسایل تاریخی و سیاسی توانستند به بسیاری از اسناد و مدارک محرمانه جنگ اول اعراب و اسرائیل (۴۹-۱۹۴۸) که تا آن تاریخ غیر قابل دسترسی بود، دست یابند و آنها را مورد مطالعه و تأمل قرار دهند. پس از آن بود که آنان متوجه یک رشته اطلاعات غلط و دروغهای تاریخی شدند که رهبران صهیونیسم طی چندین دهه قبل به خورد مردم و جامعه اسرائیل داده بودند! دانشگاهیان با مراجعه به آرشیو مذکور، متوجه اطلاعات و داده های غلط و جهت دار رهبران صهیونیسم سیاسی شدند، بنابراین، به بازنویسی صهیونیسم براساس اطلاعات واقعی اقدام کردند. بعدها، همین پژوهشگران به «تاریخ نگاران جدید» معروف شدند. به طور کلی، مفهوم «پسا صهیونیسم» عبارت از شک کردن (تشکیک) در مکتب صهیونیسم سیاسی است که دارای دو بُعد اساسی است و هر کدام به پیدایش گونه ای

* برای آشنایی کلی با روند شکل گیری صهیونیسم سیاسی و دولت یهود (اسرائیل) و چارچوبهای عقیدتی آنان از جمله ر.ک: به بیژن اسدی، «صهیونیسم سیاسی: تبدیل آرمان مذهبی به آرمان سیاسی»، مطالعات منطقه ای: اسرائیل شناسی - آمریکاشناسی، جلد چهارم، تهران: مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۷۹، ص ص ۳۰-۱.

خاصی از رهیافت پسا صهیونیسم منجر می شود. ایلان بابی، استاد علوم سیاسی دانشگاه حیفا و یکی از بارزترین چهره های صهیونیسم، معتقد است که پیروان پسا صهیونیسم به تمام کسانی اطلاق می شود که در کارهای علمی و پژوهشی خود، اعمال و اقدامات اصلی اسرائیل را از [از آغاز تا کنون] مجدداً مورد بررسی قرار داده، یا از آن انتقاد کرده اند، یا مورخان، هنرمندان و افرادی که خطاب و لحن فرهنگی جدید را برگزیده اند.

دو گروه از معتقدان و پیروان مکتب پسا صهیونیسم عبارتند از: ۱. مورخان جدید؛ ۲. دانشمندان منتقد علوم سیاسی و جامعه شناسی. گروه اول که شامل مورخان جدید می شود، در اساس و پایه مکتب فکری صهیونیسم سیاسی شک کرده اند. به عبارت روشنتر، بحث درستی و اصالت مجموع روایات رسمی تاریخی نسبت به وضعیت سرزمین فلسطین و در نهایت، تشکیل دولت اسرائیل را زیر ذره بین و سؤال می برند. این گروه، از جمله اساس مکتب صهیونیسم سیاسی را - که مبتنی بر اسطوره تاریخی: «یک سرزمین بدون ملت و

ملتی بدون سرزمین» است - نفی می کنند. در همین زمینه، تشکیل دولت اسرائیل و مشروعیت آن و به ویژه جنگ سال ۱۹۴۸ را مورد سؤال و بازنگری خود قرار می دهند. گروه دوم، بررسیها و مطالعاتی انجام داده اند که عمدتاً در جهت نفی مرکزیت فرهنگ اسرائیلی و توجه به فرهنگ پیرامونی یعنی فرهنگ فلسطینی و عربی بوده است. بنابراین، نتیجه این گونه پژوهشها نیز تشکیک در دموکراسی حاکم بر اسرائیل و نشان دادن ابعاد نژاد پرستانه و غیر انسانی رفتارها و عملکردهای سیاسی و نظامی دولت اسرائیل را شامل می شده است. برخی دیگر از استادان علوم اجتماعی نیز در تدریس دروس دانشگاهی خود به انتقاد مستقیم از ریشه های صهیونیسم سیاسی پرداخته اند. به طور کلی، این گونه مباحث، موجب شد که تاریخ توراتی اسرائیل و اسطوره های متعدد مورد استفاده رهبران صهیونیسم سیاسی مورد شبهه فراوان قرار گیرد. گفتنی است که دامنه عقاید و دیدگاههایی که دو گروه یاد شده مطرح کردند، بعداً به بخشهای دیگر جامعه و از جمله به عرصه های فرهنگ،

هنر، ادبیات، سینما و مطبوعات جامعهٔ اسرائیل نیز گسترش یافت.

یورام حازونی، نویسندهٔ کتاب مورد بررسی، یک نویسنده و پژوهشگر جوان اسرائیلی و زادهٔ آمریکا است که در حال حاضر، مدیر مرکز پژوهشی «شالم» واقع در بیت المقدس است. وی در سال ۱۹۹۴ پس از ترک فعالیت‌های سیاسی، مرکز پژوهشی مذکور را بنیان نهاد. هدف این مرکز، عبارت از بررسی و مطالعهٔ جدی مسائلی است که به قول خودش تاکنون مورد غفلت حکومت قرار گرفته است، مقوله‌هایی نظیر، آموزش و پرورش، اصلاحات قانون اساسی و انتخابات، امور اقتصادی و مراقبت‌های بهداشتی، مسایل و مشکلات مذهبی مربوط به دولت و بالاخره، فرهنگ عمومی. حازونی قبل از مسئولیت اخیرش، در سال ۱۹۹۹، دستیار معاون وزیر امور خارجهٔ وقت (بنیامین نتانیاهو) بود. بنا به گفتهٔ خودش، در این سمت فرصت خوبی برایش فراهم شد که در خلال جلسات سطح بالای سیاسی در پارلمان اسرائیل (کنیست) و سایر نهادها، با آخرین نسل بنیان‌گذاران

اسرائیل؛ مانند، عزروایزمن، اسحاق رابین، اسحاق شامیر و آریل شارون آشنا شود.^۶ افرادی که وی آنها را به نوعی، مورد تعریف و تحسین ویژهٔ خود قرار می‌دهد و آنان را با نسل جدید سیاسی و امروزی جامعهٔ اسرائیل مقایسه می‌کند و رأی نهایی به برتری و حرمت بالای نسل قبل می‌دهد! حازونی یک پژوهشگر و متفکر محافظه‌کار جدید (نئوکنسرواتیو) و ساکن در بیت المقدس به شمار می‌رود. در ضمن، وی یک منتقد جدید مکتب فرا صهیونیسم و یا چنانکه او خطاب می‌کند: روند «ضد صهیونیسم» در زندگی فرهنگی و روشنفکری جامعهٔ اسرائیل می‌باشد. مکتبی که به عقیدهٔ وی، چنین می‌پندارد که اسرائیل در حال حاضر «به اندازهٔ کافی به مرحلهٔ بلوغ و تکامل رسیده است که به بسیاری از گناهان و خطاهایش نسبت به اعراب اعتراف کند، بار مسئولیت‌های یهودیان را سبک سازد و تبدیل به یک کشور چند فرهنگی برای تمامی شهروندانش [اعم از یهودیان، اعراب (فلسطینی‌ها) و مسیحیان] بشود.» این تفکر، به ویژه همان

* برای آشنایی با شرح زندگی و روند فعالیت‌های افراد یاد شده ر.ک: بیژن اسدی، نخنگان خاورمیانه، همان منبع.

خاستگاهی است که گروه دوم، پیروان فراصهیونیسم بدان اعتقاد دارند؛ یعنی نفی مرکزیت فرهنگ اسرائیلی و توجه به فرهنگ پیرامونی (فرهنگ فلسطینی-عربی). به نظر حازونی، در پیش گرفتن روند یاد شده توسط فراصهیونیست‌ها، دارای چنان محتوایی است که در بهترین حالت ممکن خود، در واقع، زمینه‌های لازم را برای به خطر انداختن توانایی اسرائیل در مقابله و مقاومت در برابر «خرابکاران» کشور فراهم می‌سازد. این همان اعتقاد و تفکری است که شخص حازونی با قوت و شدت هرچه تمامتر در محتوای نوشته‌ها و انتشارات مؤسسه پژوهشی اش (شالم) و نیز، برخی مجله‌های آمریکایی و غیره دنبال می‌کند. بنابراین، در کنار صداها و گوناگون پصاصهیونیست‌ها، صدای حازونی نیز در جامعه اسرائیل به نوبه خود آن قدر مهم تلقی می‌شود که ارزش شنیدنش را داشته باشد.

نویسنده در کتاب حاضر که در بجهوه بحثها و روند روبه افزایش مکتب پصاصهیونیسم منتشر شده است، قصد دارد انتقادش را از تفکر پصاصهیونیسم (و به قول وی ضدصهیونیسم) توسعه داده و تعمیق

بخشد. انتقاد وی عمدتاً روی یک نکته متمرکز است، اینکه خطرات متوجه اسرائیل، تنها از ناحیه خارجی و یا به طور رسمی متوجه گفتمان صهیونیسم نیست. بلکه، به نظر وی این خطر به میزان زیادی ناشی از گفتمان جدیدی است که نقش «اسب تروا» را برای ضربه زدن به صهیونیسم دارد و از درون خود صهیونیسم ناشی می‌شود (= فراصهیونیسم). البته، نکته مورد نظر حازونی، مهم و جدی است و جای بحث و تأمل دارد، ولی در عین حال باید گفت که نویسنده به این مقوله تک بعدی نگاه کرده، از پرداختن به سایر مسایل جدی فراصهیونیسم که هم‌رتبه مسئله مذکور هستند، غافل شده است. کتاب دولت یهود با یک بررسی درباره زندگی روشنفکری جامعه معاصر اسرائیل شروع می‌شود. یعنی محدوده و مقوله ای که حازونی به آن به مثابه یک منطقه فاجعه می‌نگرد؛ محیطی که به وسیله «یک گروه بسته و غیر منعطف و از دیدگاه روشنفکری، یک توده تک رنگ که بدگمانی و بدبینی آنان نسبت به فکر دولت یهود برای چند دهه ثابت و غیر قابل تغییر بوده است»، کنترل و اداره می‌شود. بنا به

نوشتهٔ حازونی، در واقع، این گونه «افراد پایه گذار»، «آگاهانه و با اندیشه» راهی را به سوی خرابه‌هایی، سنگفرش و هموار کردند. [تئودور] هرتزل و سایر رهبران صهیونیسم، قصدشان از این کار عبارت از دست‌یابی و هل دادن ما به سوی احراز هویت و شخصیت اسرائیل به عنوان دولت یهود بود. سپس، نویسندگان یک قرن به عقب باز می‌گردند و تاریخ صهیونیسم سیاسی را از دوران هرتزل تا دوران حاضر، به تصویر می‌کشند. در بیان تاریخ گونهٔ حازونی، همواره «دوقهرمان» و یک فرد «بد ذات» خودنمایی می‌کنند. «قهرمانان» عبارتند از «تئودور هرتزل»، طراح و نویسندهٔ اصلی کتاب «دولت یهود» در سال ۱۸۹۶ و نیز پایه‌گذار صهیونیسم سیاسی، دیگری، «دیوید بن گوریون»، یکی از رهبران اصلی صهیونیسم و پایه‌گذار دولت اسرائیل و کسی که پس از مرگش (دسامبر ۱۹۷۳) به «مهندس کشور اسرائیل و ساختار نظامی و اجتماعی آن» معروف شد. به نظر حازونی، هر دو رهبر مذکور، تلاش‌های زیادی را برای ایجاد وطن یهود برای یهودیان جهان و فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای ایجاد نهادهای سیاسی و دیپلماتیک، اقتصادی و

توان نظامی دولت یهود در خلال سالها مبذول کردند. اما فرد بد ذات مورد نظر حازونی عبارت از «مارتین بابر»، (Martin Buber) فیلسوف و کارشناس الهیات که یهودی مذهب و آلمانی تبار است. وی مدت کوتاهی در سنین جوانی، همکاری نزدیکی با تئودور هرتزل داشت، سپس پیوند خود را با وی بر اثر اختلاف نظر و عقیده‌اش برید، ولی همچنان با جنبش صهیونیسم همکاری کرد. وی به عنوان معروفترین شخصیت روشنفکر اولیه در تاریخ صهیونیسم، رهبرانی نظیر هرتزل و بن‌گوریون و مکتب صهیونیسم سیاسی را به شدت مورد انتقاد قرار داده است.

کتاب حاضر به دنبال دو هدف اصلی است. هدف اول اینکه، نویسنده امیدوار است که خواننده را متقاعد سازد که دولت یهود متوجه حملاتی از سوی رهبران فرهنگی و روشنفکر خودی و نه بیگانه و غیر خودی است و چنان که پیشتر اشاره کردیم، حازونی علیه وجود (فیزیکی) اسرائیل (دولت یهود) اصلاً موضع‌گیری مخالف نمی‌کند، بلکه عمدتاً در یک موضع‌گیری مخالف علیه وضعیت فعلی

قانونی و حقوقی، سیاسی و اخلاقی اسرائیل به عنوان دولت متعلق به یهودیان قرار دارد. بدین ترتیب، مشاهده می شود که وی می تواند تا اندازه ای از جمله اعضای گروه دوم منتقدان صهیونیسم به شمار آید که اساس تشکیل دولت یهود را قبول دارند، ولی روند و عملکردهای گوناگون بعدی آن را مورد بازبینی و نقد قرار می دهند. هدف دوم اینکه، نویسنده، تاریخ تلاشهای انجام شده در راه تحقق ایده دولت یهود را به تصویر کشیده است، با این امید که این اقدام بتواند کلید و راهنمای کسانی باشد که می خواهند بدانند صهیونیست ها چرا و چگونه به این موقعیت ویژه و بحرانی رسیده اند و اینکه، آنان از این نقطه به کجا می خواهند بروند؟ به عبارت روشنتر، قصد دارند چه هدفهای دیگری را محقق سازند؟ این خواسته نویسنده نیز، دلیل روشن دیگری بر این است که همان طور که قبلاً متذکر شدیم، وی بعضاً جزء گروه دوم پیروان مکتب فراصهیونیسم است. چرا که این گروه از منتقدان، ضمن قبول روایات و اسناد تاریخی در مورد صهیونیسم، از دیدگاه فراصهیونیسم «پایان مأموریت صهیونیسم» را مورد توجه و

تعمق قرار می دهند.

از دیدگاه مذکور، صهیونیسم قابل قبول است و پدیده ای مطلوب به شمار می رود. ولی از نظر آنان، صهیونیسم سیاسی به هدفهای خود دست یافته، کار دیگری برای انجام و تکمیل آن باقی نمانده است. بنابراین، در حال حاضر و در دوره جدید پسا صهیونیسم - که در آن هدفهایی مانند عادی شدن و جا افتادن «ملت یهود» (البته از نظر آنان) و استقرار «دولت یهود» حاصل شده است - باید به سوی هدفهایی والاتر برای جامعه اسرائیل و یهودیان مانند افزایش سطح زندگی، رفاه اجتماعی بیشتر، برابری و عدالت اجتماعی و ثبات و آرامش بیشتر اندیشه و حرکت کرد. این گروه از پیروان مکتب فراصهیونیسم، اعتقاد دارند که در شرایط حاضر، (یعنی تحقق هدفهای صهیونیسم و نیز، مشکلات موجود جامعه اسرائیل)، باید با یک حرکت مثبت به سوی هدفهایی دیگر؛ نظیر، بهبود و برقراری روابط اسرائیل با کشورهای دیگر، خروج از انزوای منطقه ای و تحقق صلح خاورمیانه به عنوان هدفهای خارجی حرکت کرد. البته قابل اشاره است که در مورد این دیدگاه

خاص و بحث در مورد آن، گروه‌های دیگر، پرسش پایداری مطرح می‌کنند که: آیا صهیونیسم به واقع به هدف‌های خود نایل آمده است، یا اینکه هنوز در تلاش و کشاکش در راه دستیابی به آنها است؟

یکی دیگر از افراد وابسته به گروه اخیر که نویسنده نیز در کتاب خود نظرات وی را مورد بررسی قرار داده است، الی‌عازر شواید (Eliezer Schweid) است. وی استاد فلسفه یهود در دانشگاه عبری بیت المقدس است. به عقیده حازونی، هیچکس بهتر از وی نتوانسته است بر جریان اصلی و جاری تفکرات پساصهیونیسم تأثیر بگذارد. شواید برای سال‌ها امید بزرگ اعتقادی «اتحایه کارگری صهیونیسم» بوده است و امروزه وی یکی از افراد اسرائیلی است که تنها به یکی از متفکران صهیونیست تبدیل شده است. وی متفکر و روشنفکری است که ایده «صهیونیسم جهانی» (Universal Zionism) را مطرح می‌کند؛ یعنی، اصل و ایده‌ای که به دنبال حل پیچیده‌ترین مسئله و منازعه طرفداران پروپاقرص صهیونیسم از طریق ارتقای مرتبه و بالا بردن آنهاست. این گونه است که وی

حتی پیشنهاد تغییر و اصلاح پرچم و سرود ملی اسرائیل را ارایه می‌کند که بدین وسیله، مکتب «صهیونیسم جهانی» را به شکلی برابر هم برای یهودیان و هم غیر یهودیان مطرح کرده و توسعه دهد؛ «تنها راه برای حل مسئله [صهیونیسم] عبارت از اضافه کردن پرچم صهیونیسم [مثلاً پرچم فعلی اسرائیل] است، یعنی نشانه‌ای که موجب مشارکت اقلیت [نژادی] اعراب [در جامعه اسرائیل] خواهد شد و [نیز] تدوین یک سرود [ملی]... است که هدف صهیونیسم را در سطحی جهانی مطرح خواهد کرد...» در ضمن، شواید بر این اعتقاد است که اسرائیل پس از جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل نشان داد که به اندازه کافی و قابل قبولی تقویت و توانا شده، بنابراین، دیگر نمی‌توان آن را به راحتی از صحنه روزگار حذف و نابود کرد. به عقیده وی، جنگ راه را برای رسیدن به هدف «یوتویایی» اسرائیل هموار کرده است. هم او اعتقاد دارد که «اسرائیل به عنوان بزرگترین مرکز یهودیان جهان، در بیست سال آینده به ماوای اکثریت یهودیان جهان تبدیل خواهد شد.» حازونی در نخستین

فصل کتاب، با عنوان «فرهنگ سازان ایده دولت یهود را کنار می گذارند»، افکار و اندیشه های سه گروه از پیروان مکتب فراصهیونیسم را شامل: ۱. دانشگاهیان و اندیشمندان؛ ۲. نویسندگان و شاعران؛ ۳. هنرمندان را مورد نقد و بررسی قرار می دهد.

کتاب به چهار بخش، سیزده فصل و یک نتیجه گیری کلی تقسیم شده است. در بخش اول، انواع تفکرات و شخصیت‌هایی که در حال حاضر، جریان اصلی فرهنگی و سیاسی فراصهیونیسم اسرائیل را به نحو رو به افزایشی شکل داده و پیش برده اند، مورد بررسی قرار گرفته اند. در این بخش، نویسنده، کارهای مربوط به نویسندگان سرشناس، دانشگاهیان و هنرمندان و نیز متون متعدد اظهار نظرات و سخنان آنان را در مصاحبه های رسانه ای مورد مطالعه و بررسی قرار داده است. هدف وی این بوده است که نشان دهد چگونه یک جریان روبه رشد ابراز مخالفت در برابر تفکر سنتی دولت یهود در جامعه فعلی اسرائیل خودنمایی می کند. در حوزه حکومتی، نویسنده تلاش کرده است که ابعاد محوری

خط مشی های آموزشی، مسایل امور خارجه و دفاع و قانون اساسی در حال پیشرفت اسرائیل را مورد بررسی قرار دهد تا بدین وسیله نشان دهد که چگونه روند مخالفت با صهیونیسم در سالهای اخیر، اثرات خاص خود را بر تصمیم گیریهای واقعی رهبران و مسئولان حکومتی اسرائیل گذاشته است. این امر، گویای این واقعیت است که جریان پسا صهیونیسم توانسته است در سالهای اخیر منشأ یک رشته تحولات سیاسی-اجتماعی و از جمله، بروز تشنجات در درون اعضای حاکمیت و جامعه اسرائیل باشد. نویسنده در بخش دوم، تاریخچه تأسیس «سازمان صهیونیسم» را شرح داده است، به نحوی که می توان تفکر صهیونیسم سیاسی اصلی و پایه ای را با کیفیت روند همان تفکر پس از مرگ تئودر هرتزل (۱۹۰۴) مورد مقایسه قرار داد. به گفته حازونی، هدف وی در این بخش، عبارت از مطرح کردن یک واقعیت آشکار در مورد روند صهیونیسم سیاسی بوده است؛ اینکه جنبش هرتزل، یک عکس العمل در قبال شکست روند رهایی و آزادی یهودیان بود که هیچگاه نتوانست به

مفهوم واقعی، شرایط مشارکت آنان را در یک دولت مبتنی بر قرارداد اجتماعی به نحو مطلوب و مطمئن فراهم سازد. این مقوله در فصل چهارم کتاب با عنوان: «دولت یهود هر تزل در برابر قرارداد اجتماعی روسو» به طور مفصل مورد بحث قرار گرفته است. در بخشهای سوم و چهارم، حازونی روندی را توصیف کرده است که زمانی جزء آمال و آرزوهای افرادی نظیر هر تزل و بن گوریون بود، ولی پس از چند سال زمینه تحقق به خود گرفت و بالاخره دولت یهود تأسیس شد. این دو بخش، داستان زندگی سیاسی و تلاشهای طولانی دیوید بن گوریون - یا در واقع، «مهندس کشور اسرائیل و ساختار نظامی و اجتماعی» آن - را بازگویی کند که بالاخره به تأسیس کشور اسرائیل انجامید. کتاب، شامل سیزده فصل و یک نتیجه گیری است، عناوین فصلها به ترتیب، عبارت است از:

۱. فرهنگ سازان فکر دولت یهود را کنار می گذارند؛ ۲. تلاشهای سیاسی برای دوران پس از دولت یهود؛ ۳. مقدمه ای بر تاریخ دولت یهود؛ ۴. دولت یهود ثودور هر تزل در برابر قرارداد اجتماعی

روسو؛ ۵. هر تزل به مثابه یک سیاست مدار؛ خلق یک دولت یهود در ذهن؛ ۶. از جان گذشتگان؛ ۷. مارتین بابر و انکار دولت یهود؛ ۸. روشنفکران آلمانی و تأسیس دانشگاه عبری؛ ۹. تهاجم روشنفکران و پاسخ بن گوریون، ۱۹۳۹-۱۹۲۹؛ ۱۰. تلاش اساتید علیه دولت یهود، ۱۹۴۸-۱۹۳۹؛ ۱۱. دولت یهود بن گوریون و اختلاف نظر «بابر»، ۱۹۶۱-۱۹۴۸؛ ۱۲. دستگاه پرورش کودکان زودرس (اینکو-باتور): دانشگاه عبری، ۱۹۶۱-۱۹۴۸؛ ۱۳. پیروزی روشنفکران و بالاخره، نتیجه گیری با عنوان: روح دیوید بن گوریون. ضمناً در پایان کتاب نیز، «اعلامیه تأسیس دولت اسرائیل» به عنوان پیوست ارایه شده است.

در پایان، باید به این نکته اشاره کنیم که به هر حال، مکتب فکری پسا صهیونیسم به عنوان یک واقعیت مطرح در جامعه اسرائیل جاری است، اما بر خلاف اعتقاد برخی نویسندگان، ظهور و توسعه فر ا صهیونیسم به معنای پایان صهیونیسم و وجود یک خطر حاد سیاسی برای دولت اسرائیل مطرح نیست. چنانکه باید اشاره

کرد، فراهیونیسیم از هیچ گونه انسجام، هماهنگی و سازمان دهی لازم برای شکل دادن به یک حرکت اجتماعی-سیاسی مهم برخوردار نیست. بلکه عمدتاً حوزه بحثهای روشنفکرانه و علمی و پژوهشی را شامل می شود. حازونی نیز در کتاب اشاره می کند که : «اکثریت قابل توجهی از یهودیان اسرائیل به هیچ وجه حاضر نیستند در برابر آرمانهای فراهیونیسیم تسلیم شوند. [چرا که] برای گروه اکثریت، عدم حل احتمالی مشکل دولت یهود، هنوز هم به دست کشیدن از میانی ترین بخش روح [صهیونیسیم و دولت یهود] مربوط می شود.»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی